

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و نهم خارج اصول فقه (دور دوم) 23 بهمن ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

به مناسب میلاد امام جواد علیه السلام : عمر شریف این امام همام کوتاه بوده 25 سال بوده است و عمده آن یعنی هفده سال آن دوران امامت حضرت هست. معارفی که از امام جواد علیه السلام به ما رسیده خیلی از آنها انسانیست تا اسلامی. در منتهی الآمال، مرحوم شیخ عباس قمی معجزاتی از امام جواد ع نقل می کند اما ای کاش نسبت به کلام نورانی امام یک تحلیلی انجام می داد آن موقع معلوم می شد که نفس زندگی امام جواد ع تماما معجزه بوده است. دوران حیات امام کوتاه بود و در همین دوران کوتاه هم آزاد نبودند و مبتلا به شر مامون بودند و مردم هم مردم آماده و پذیرایی نبودند. کسی که در این شرایط این آثار را از خود برجای بگذارد خودش کرامت و معجزه است. امام جواد ع می فرمایند: اظهار شیء قبل آن يستحکم مفسدة له. همین امام درباره علما فرمودند که اگر علما متحیری را دیدند یا به تعبیر ما مرده متحرکی را دیدند که باید هدایت شود اینجا اگر عالم کتمان کند خیانت کرده است در عین حال می فرمایند : این هدایتگری و اظهار هم باید با استحکام باشد. متاسفانه در دورانی هستیم که اظهار نظر ها و بیان ها و کلمات و حتی برخی فتاوا استحکام لازم را ندارد. ما به چهار عنصر اشاره می کنیم:

1: زمان ناشناسی: ما موظفیم در آنچه بیان می کنیم زمان شناس باشیم. زمان آگاهی جزو وظایف مبلغ دین است. ما نمی توانیم بگویم کاری به برداشت دیگران نداریم و هر چه اسلام است بگویم. البته وادادگی و انفعال و ... ممنوع است. یک عالمی از علمای بزرگ شیعه به هند سفر کرد علمای اهل سنت استقبال کردند و از او سوال کردند که آیا شهادت ثالثه جزو اذان است؟ این عالم هم نوشت شهادت ثالثه جزو اذان نیست. در هندی که شرایط آنگونه است این کلام را سریع پخش کردند و چه بلاها که سر شیعه نیاوردند و این عالم هم که با چه استقبالی وارد هند شده بود شبانه و مخفیانه از ترس جانش از هند فرار کرد. گذشت و علامه امینی رفت هند و همین سوال را از او کردند. نوشت قال رسول الله ص ذکر علی عبادة. این سوال دیگر در هند حذف شد. این عالم زمان شناس است که متوجه قصد سوال کننده شده و با زمان شناسی پاسخ او را داده است. اینجا عالم نمی تواند بگوید من عقیده و نظری را که به نظرم صحیح است می گویم و دیگر کاری به تبعات آن ندارم. اگر کلام مبتنی بر زمان شناسی نباشد شر می آفریند.

2: انسان مبتدی مطلق نباشد: اینطور نیست که روی منبر هر روایتی را مجاز دانستیم نقل کنیم هرچند از کافی باشد. بزرگان امروز ما فرموده اند که روایات کافی هم بررسی سندی می خواهد.

3: مبتدی حیثی بودن: ممکن است کسی استاد مکاسب و رسائل کفایه باشد و بر مباحث درس خارج تسلط داشته باشد اما در دیگر زمینه ها مبتدی باشد. او نباید مطلبی را که در آن اطلاعات کاملی ندارد بیان کند تا پیامدهای منفی به بار آید. مثلا اینکه گفته شود شیعه به بهشت می رود و غیر شیعه وارد بهشت نمی شود. ما ده گروه روایت در این زمینه داریم:

گروه اول: روایاتی که می گوید در موافقت قلب با اهل بیت نجات است

گروه دوم: روایاتی که تاکید فراوان بر عمل می کند و چون در کنار محبت و معرفت آمده نمی توان گفت منظور از عمل، محبت و معرفت بوده است: بحار ج 68 ص 153 و ج 69 ص 401 و ... اصول کافی ج 4 ص 207

